

## \* دوران نوجوانی و جوانی حضرت محمد صلی الله علیه وسلم

محمد صلی الله علیه وسلم همواره به چوپانی گوسفندان می پرداخت تا آنکه به سن دوازده سالگی رسید. و می دید که عمویش اهتمامی افزون بر نیاز به او دارد و در فضای محبت او که بیشتر از محبتی است که به فرزندان او دارد، زندگی می کند. چند سالی به چوپانی مویشی عمویش روی می آورد اما نمی تواند دست آوردی که به حد کفایت عمویش را یاری کند، حاصل کند. پیامبر از هنگام رسیدن به سن بلوغ به تجارت روی آورد و موقعی که با عمویش ابوطالب برای تجارت به شام رفت، می خواست که تجربه ای به دست آورد تا او را در تجارت خبره سازد. ایشان در نزد برخی از تاجران به تجارت پرداخت، اما از همه ی آنها راضی نبود! همیشه و پیوسته هم و غم تاجران، سودیابی و روی هم انباشتن ثروت به هر وسیله ای است؛ در نتیجه به همه نوع مضاربه و احتکار کالا دست می زدند اما آن حضرت همه ی این روش های خفت آور را نمی پذیرفت و این کارهای زشت را مردود می دانست. در تاریخ آمده که ایشان شریکی به نام «سائب بن ابی سائب» داشت که از شریک بودن با او خشنود بود و در او روحیاتی می دید که با اخلاق وی سازگاری داشت. در این دوره پیامبر خود را تنها به کار مشغول نداشته بود، بلکه همواره دیده می دوخت تا ببیند در پیرامونش چه می گذرد و به بازارهای همجوار مانند: عکاظ، مجنّه و ذی المجاز می رفت، جاهایی که افزون بر تجارت کالا و سرمایه، بازار ادب و بلاغت رونق داشت. هنگامی که پیامبر به زندگی روزمره اش باز می گشت، تنها به دوری گزیدن از انحرافات عملی مردم اکتفا نمی نمود بلکه اندیشه می کرد تا کار و بارشان را به صلاح آورد. تمام اهتمام آن حضرت متوجه جوانان فقیر و متوسط جامعه بود. محمد صلی الله علیه وسلم خود یک انسان بود، در همان دوران آغازین زندگی اش در کنار اهتمام به امور افراد جامعه اش به اصلاح محیط پرداخت. ایشان در حالیکه بیست سال داشت، شاهد «حَرْبُ الْفِجَار» بود و خواسته های شرکت کنندگان را در چنین جنگی سخت ناپسند شمرد، این جنگ را به خود دید اما در آن نیزه ای پرت نکرد و شمشیر بر نکشید، بلکه هنگام وقوعش حاضر و ناظر بود. محمد بیست ساله به سبب تلاش بسیاری که کرد، نقش آشکاری در توقف داشتن جنگ و تحقق صلح داشت؛ همچنین ایشان بعد از این جنگ، در پیمانی به نام «حِلْفُ الْفُضُول» که در میان قبایل قریش منعقد گردید شرکت داشت. هدف از این پیمان، دفاع کردن از حق مظلومین بود. آن حضرت پس از مشرف شدن به رسالت در مورد این پیمان فرمودند: «در سرای عبدالله بن جدعان در پیمانی حضور یافتیم که دوست ندارم به جای آن شتران سرخ موی را دارا باشم و اگر در اسلام به آن فراخوانده شوم، آن را می پذیرم.»

ادامه دارد...

«کمیته فرهنگی مسجد ام المؤمنین عایشه (رضی الله عنها) جناح»